



نقش آفرینی اجتماعی زنان در بستر خانواده با تأکید بر الگوی فاطمی از زن
امید قربانخانی^۱، سیده فاطمه موسوی^۲

چکیده

نقش اجتماعی زنان به معنای نقش زنان در اموری است که سرنوشت جامعه را تعیین می‌کند. این موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده و درباره آن نظرات مختلفی مطرح شده است. بسیاری از دیدگاه‌ها، نقش اجتماعی زن را در تقابل با نقش خانوادگی او فرض کرده و تلاش کرده‌اند تا راهکارهایی برای جمع میان آن‌ها ارائه دهند. این نگرش سبب شده است که همواره زنان بر سر دوراهی انتخاب قرار گیرند و مجبور شوند یک نقش را بر نقش دیگر ترجیح دهند. بر اساس چنین چالشی، پژوهش حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد که بانوان خانه‌دار چگونه می‌توانند مبتنی بر الگوی فاطمی از زن، تأثیرگذاری اجتماعی داشته باشند؟ روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از داده‌های کیفی به دست آمده از مطالعه تجربه زیسته مادران و زنان خانه‌دار در دهه‌های گذشته و تکیه بر سبک زندگی حضرت زهرا^۳ به نقش اجتماعی زنان پرداخته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که خانه‌داری مجموعه‌ای از مدیریت‌ها از جمله: همسر داری، فرزند داری، همسایه داری، فامیل داری، ... است که از طریق آن‌ها امکان تأثیرگذاری‌های عمیق در لایه‌های زیرین جامعه وجود دارد.

-
1. o.qorbankhani@basu.ac.ir دانشگاه، دانشکده علوم انسانی، استادیار گروه الهیات، بوعلی سینا، همدان، ایران.
 2. matinsadatfatemi@gmail.com دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.



کلیدواژه‌ها: زن مسلمان، خانه‌داری، نقش اجتماعی، تأثیرگذاری اجتماعی، سیره حضرت زهرا ۳.

مقدمه

حضور و نقش اجتماعی زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه، در طول تاریخ بشر قابل انکار نیست. اما تفسیر این حضور در جوامع و اعصار مختلف، متفاوت است. در قرون اخیر بخصوص، پس از شکل‌گیری انقلاب صنعتی در جوامع غربی معنای خاصی از حضور اجتماعی زنان ارائه شده است. در ابتدا این حضور با فعالیت اقتصادی زنان در کارخانجات صنعتی به عنوان کارگران ارزان‌تر از مردان رواج یافت و در ادامه صورت‌های مختلفی از این حیات اجتماعی شکل گرفته است که تفاوت معناداری با حیات اجتماعی پیشین زنان دارد. در حالی که پیش از این فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان در حیطه محیط خانوادگی خود تعریف می‌شد. این تغییر در ساحت‌های مختلف جوامع اسلامی هم رواج یافته و فهم جدیدی از فعالیت اجتماعی زنان، تحت تأثیر مدرنیته شکل گرفته است به گونه‌ای که سبک زندگی قدیم و به خصوص خانه‌داری امری بی‌ارزش و یا کم‌ارزش محسوب می‌شود. جامعه‌شناسان غربی نقش زنان در خانواده و جامعه را بیشتر در قالب نظریه‌های فمینیستی و با تأکید بر برابری جنسیتی و عدالت ساختاری مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها اغلب نقش زنان در خانه را کاری غیر قابل پرداخت و نادیده گرفته شده می‌دانند که زنان را در موقعیتی نابرابر نسبت به مردان قرار

می‌دهد. (Hochschild & Machung، ۲۰۱۲، p45) با توجه به اینکه خانه به عنوان یک واحد اجتماعی اولیه، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد و انتقال ارزش‌ها دارد، بررسی نقش اجتماعی زن در این فضا می‌تواند روشنگر اهمیت نقش اجتماعی آنان در خانواده باشد.

درباره نقش اجتماعی زنان پژوهش‌های متعددی انجام شده است. مهم‌ترین آثار علمی نزدیک به موضوع این نوشتار عبارت است از جلد پنجم از مجموعه پنج جلدی نقش و رسالت زن به نام «عرصه‌های حضور اجتماعی زن» نوشته امیرحسین بانکی پور منفرد که بیانات مقام معظم رهبری را در آن جمع آوری کرده است، «زن در اجتماع» نوشته سیدجعفر حق شناس، ایشان به نقش آفرینی اجتماعی زنان خانه‌دار و تأثیری که ایشان می‌توانند در تحولات اجتماعی جامعه داشته باشند اشاره کرده و از آن با عنوان تأثیرگذاری اجتماعی غیرمستقیم نام برده است (حق شناس، ۱۳۹۰، ص ۱۲). کتاب «حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه» نوشته امین کشوری. از میان مقالات منتشر شده می‌توان به مقاله «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت الله خامنه‌ای» نوشته منصوره لولاآور، و راضیه شاهمرادی زواره که در فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان چاپ شده است اشاره کرد. با وجود آثار ذکر شده که تاکنون درباره نقش اجتماعی زنان نگاشته شده است، مقاله حاضر در روش پژوهش و نتایج به دست آمده از آن، دارای تفاوت‌هایی است. این نوشتار با تکیه بر سیره و کلام حضرت زهرا ۳ به عنوان والاترین الگوی زن مسلمان و با تکیه بر تجربه زیسته مادران و زنان خانه‌دار به این مهم پرداخته است. همچنین تبیین آثار و نتایج اجتماعی که عملکرد زنان در بستر خانواده دارد از تفاوت‌های اساسی مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین است؛ رویکردی توصیفی که سعی می‌کند حیطه



کنشگری اجتماعی مادران را در بستر خانواده قبل از سال‌های دهه ۷۰ بررسی کرده و از تجویزات فراواقعی برحذر باشد.

این مقاله در صدد پاسخ بدین سؤالات است: بانوان خانه‌دار چگونه می‌توانند مبتنی بر الگوی فاطمی از زن، تأثیرگذاری اجتماعی داشته باشند؟ آیا انجام وظایف اجتماعی از سوی زنان ضرورتاً نیازمند حضور در اجتماع است؟ آیا زنان برای نقش آفرینی اجتماعی می‌بایست مسئولیت‌های خانوادگی خود را کاهش دهند؟ بدین منظور ابتدا شاخصه‌های اصلی زن مسلمان در سیره حضرت زهرا ۳ بررسی می‌گردند، سپس با مطالعه تجربه زیسته زنان خانه‌دار در جامعه سنتی ایران که در مقایسه با زنان مدرن انطباق بیشتری با الگوی فاطمی از زن دارند، تلاش می‌شود چگونگی نقش آفرینی اجتماعی زنان در بستر نقش خانوادگی تبیین گردد.

اولویت‌های زندگی فاطمه زهرا ۳ و سیره زنان اهل بیت - علیهم السلام - همان‌طور که از سیره و کلام حضرت زهرا ۳ دیده می‌شود، سبک زندگی برگزیده حضرت، بر محور اولویت زندگی ایشان است. در ادامه به چند مورد از فرمایشات ایشان اشاره می‌شود.

۱.۱. خانه‌داری

در حدیثی از امام محمد باقر ۷ نقل شده است:
 علی و فاطمه - علیهما السلام - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبر انجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی - علیه السلام - گذاشت. امام باقر -

علیه السلام - می‌فرماید: فاطمه - علیها السلام - گفت: هیچ کس جز خداوند نمی‌داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد.^۱ (مجلسی، ۱۳۷۷؛ ج ۱؛ ص ۳۷۹)

۱.۲. نزدیکترین حالت زن به خداوند

در روایات دیگری آمده است:

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - از اصحابش پرسید: زن چیست؟ گفتند: زن عورت است (باید از نگاه نامحرم دور باشد). پیامبر سؤال فرمود: در چه هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است؟ ولی اصحاب پیامبر نتوانستند به این سؤال وی پاسخ بگویند؛ هنگامی که این سؤال به فاطمه عرضه شد، گفت: هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است که در کنج خانه‌اش قرار داشته و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد. چون این پاسخ به گوش رسول خدا رسید فرمود: همانا فاطمه پاره‌ای از وجود من است.^۲ (مجلسی، ۱۳۷۷؛ ج ۱، ص ۳۹۸ و ۳۹۹)

حضرت زهرا ۳ در جواب این سوال پیغمبر ۶ که از اصحابشان پرسیدند زن در چه حالتی به خدای متعال نزدیکتر است؟ می‌فرمایند: نزدیکترین حالت زن به خدای متعال زمانی است که ملازم خانه‌اش باشد و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد. این سخن ایشان تأکیدی بر نقش خانه‌داری و

۱. تَقَاضَى عَلَيَّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلَى عَلِيٍّ بِمَا خَلَفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَايَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ
 ۲. سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةٌ قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَذَى مِنْ رِيَّهَا فَلَمْ يَذَرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ ذَلِكَ قَالَتْ أَذَى مَا تَكُونُ مِنْ رِيَّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي

اولویت و ارزشی است که ایشان برای آن قائل بودند. نزدیک‌ترین حالت به معنای این است که خانه‌داری و خانه سکوی تعالی زن است و بهترین فرصت و موقعیتی است که می‌تواند برای تعالی و تقرب خودش به خدای متعال فراهم کند.

۳.۱. عدم اختلاط با مردان

روایت معروفی از حضرت علی ۷ نقل شده است:

ما نزد رسول خدا ۶ نشسته بودیم که آن حضرت فرمود به من بگویید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟ همه ما از جواب باز ماندیم و متفرق شدیم و من نزد فاطمه آمدم و آن‌چه را که پیامبر از ما پرسیده بود و ما نتوانسته بودیم جواب دهیم برای او باز گفتم. فاطمه گفت: ولی من جواب این سؤال را می‌دانم. بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. علی ۷ گوید: من به نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - بازگشتم و به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! من پاسخ آن سؤال را می‌دانم و آن این است که بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: چرا هنگامی که نزد من بودی این جواب را بیان نکردی، بگو بدانم چه کسی آن را به تو تعلیم داده است؟ گفتم: فاطمه - علیها السلام -، پس رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - از این امر تعجب کردند و گفتند: همانا فاطمه پاره‌ای از تن من است.^۱ (مجلسی، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۱۹-۳۱۷)

۱. زُوی عَنِّ عَلِیِّ عَلَیْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيَّنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَيْسَ أَخَذَ مِنَّا عِلْمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لِكَيْفِي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتُنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرٌ

همان طور که از این روایت هم دریافت می‌شود بهترین چیز برای زن این است که نه او مرد نامحرمی را ببیند و نه مرد نامحرمی او را ببیند. عدم اختلاط برای زنان ارزش محسوب می‌شود.

از بیانات و سیره حضرت زهرا - علیها السلام - استفاده می‌شود که اولویت زندگی ایشان به عنوان نقشی که برای خود ترسیم می‌کنند نقش خانه داری است. گاهی تصور می‌شود که سبک زندگی دیگری در آن عصر وجود نداشت و فقط سبک زندگی خانه‌داری در آن زمان مرسوم بود و ناگزیر ایشان در این مسیر قرار گرفتند. توجه به این مطلب ضروری است که حضرت زهرا - علیها السلام - از یک طرف پیغمبرزاده و از طرف دیگر تاجرزاده بودند و مادر مکرمه ایشان حضرت خدیجه - علیها السلام - در آن زمان یک فعال اقتصادی به شمار می‌آمدند. این بدان معنی است که در آن دوران، الگوی زنی که فعالیت اقتصادی داشته است دارای سابقه بوده و حضرت زهرا - علیها السلام - در معرض آن بوده است. ایشان با وجود چنین الگویی، الگوی زن خانه‌دار را انتخاب کردند.

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل کرده است: زمانی که سختی‌های خانه‌داری بر حضرت زهرا - علیها السلام - فشار آورده بود، به توصیه امیرالمومنین⁷ خدمت پیغمبر اکرم⁶ می‌روند که اگر ممکن است خادمی برای ایشان قرار بدهند و پیغمبر اکرم⁶ تسبیحات معروف حضرت زهرا³ را به ایشان آموزش می‌دهند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج: ۱، ص ۳۲۰ و ۳۲۱). پیامبر⁶ به ایشان پیشنهاد شروع یک فعالیت اقتصادی نمی‌دهند یا مبلغی به عنوان امانت در اختیار ایشان قرار نمی‌دهند تا به وسیله آن

لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ قَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي قُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي





تولید ثروت کنند و خدمه‌ای بگیرند که در کارهای منزل به آن‌ها کمک کند. پیامبر ۶ به ایشان ذکری می‌آموزند تا تحمل سختی کارها برای ایشان راحت‌تر باشد. در عصر حاضر شروع کار و فعالیت اقتصادی امر رایج و متداولی به شمار می‌آید. زنان شاغل در بیرون از منزل کار می‌کنند و شخص دیگری را برای مراقبت از فرزندانشان استخدام می‌کنند. آنچه قبلاً توسط زن در خانه انجام می‌شد، اکنون به یک پرستار سپرده می‌شود. و حتی کارهای خانگی مانند نظافت برون‌سپاری می‌شود و شخص دیگری انجام می‌دهد. برخی از مادران شاغل به جای گذراندن وقت با فرزندانشان، آنها را به مهدکودک و خانه‌های بازی می‌فرستند و با استفاده از درآمد خود، نقش‌هایی را که یک زن خانه‌دار در خانه ایفا می‌کند، پوشش می‌دهند. حضرت زهرا ۳ هم می‌توانستند اینگونه عمل کنند و پیامبر ۶ نیز چنین نصیحت کنند، همان‌طور که در زمان حضرت زهرا ۳ زنی (حضرت خدیجه ۳) بود که در عرصه اقتصاد فعالیت می‌کرد و جامعه او را بسیار مورد احترام و تکریم قرار می‌داد اما حضرت زهرا ۳ آن الگو را انتخاب نکردند و الگوی زن خانه‌دار را انتخاب کردند.

زن خانه‌دار و مسئولیت‌های اجتماعی

زن خانه‌دار چگونه می‌تواند تاثیرگذاری اجتماعی داشته باشد و به وظایف و تعهدات اجتماعی خود عمل کند؟ برای بررسی کامل این سؤال، دو رویکرد متمایز وجود دارد که می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۲.۱. دو راه بررسی

۱. **رویکرد توصیه‌ای:** در این روش، فرض بر این است که خانه‌داری و زن خانه‌دار منقطع از جامعه است. به این معنا که زن خانه‌دار تا به حال

(در خانواده‌های سنتی) تاثیرگذاری اجتماعی نداشته و باید راه‌ها و منافذی به سمت جامعه باز شود تا بتواند در جامعه ایفای نقش کند. سپس شیوه‌ها و راه‌های نو و جدیدی برای نفوذ زن خانه‌دار به جامعه ارائه می‌دهیم و در مورد این راهکارها بحث می‌کنیم که آیا به وسیله این راه، امکان تاثیرگذاری اجتماعی برای زن خانه‌دار وجود دارد یا خیر؟ و نهایتاً امکان وجود راه‌ها و شیوه‌های تاثیرگذاری اجتماعی زن خانه‌دار اثبات می‌شود.

۲. رویکرد توصیفی: در این روش تجربه زیسته زنان خانه‌دار در خانواده‌های سنتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که آیا رفتار و عملکرد ایشان در منزل در قالب الگویی که از سیره حضرت زهرا 3 استفاده شده تاثیرگذاری اجتماعی داشته است یا خیر؟ آیا شیوه‌های تاثیرگذاری تاکنون وجود داشته است؟ این شیوه‌های تاثیرگذاری چه بوده است؟ بحث از امکان وجود راه‌هایی برای تاثیرگذاری نیست، بلکه بحث ما گزارشی از شیوه‌های تاثیرگذاری محقق شده و موجود در خانواده‌های سنتی و میان زنان خانه‌دار است.

در این پژوهش، روش توصیفی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است و در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که: آیا زنان خانه‌دار در خانواده‌های سنتی تاثیرگذاری اجتماعی داشتند یا خیر؟ آنچه که محقق شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه آن چیزی که امکان تحقق دارد.

۲.۲. شعار: فرزند کمتر زندگی بهتر

قبل از آن که رویکرد توصیفی را مورد بررسی قرار دهیم لازم است به





یک مقطع تاریخی که اتفاق مهمی در جامعه ما رخ داد توجه کنیم و آن را نقطه عطف در نظر بگیریم.

کنترل جمعیت، رویداد بزرگ و مهمی بود که در دهه ۱۳۷۰ در جامعه و تاریخ اجتماعی ایران اتفاق افتاد. سیاست‌های تشویقی و تبلیغاتی مختلفی در جهت به کنترل درآوردن جمعیت روبه رشد ایران، مورد توجه قرار گرفت. یکی از آن سیاست‌ها، شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" بود که در جامعه به صورت گسترده ترویج داده و در هر کوی و برزنی شنیده می‌شد. این شعار فراگیر به تار و پود جامعه دمیده شد و در رسانه‌ها و محیط‌های عمومی، مردم و خانواده‌ها به شدت تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفتند. قبل از آن، فرزندآوری مهم‌ترین نقش زن در جامعه و مایه افتخار و احترام او تلقی می‌شد. همچنین طبق آموزه‌های دینی ما و بنا به گفته پیامبر(ص): بهشت زیر پای مادران است. با گسترش شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" زنان و خانواده‌هایی که فرزندان زیادی داشتند، احساس حقارت و بی‌فرهنگی کردند و نقش مادر و جایگاه او آسیب دید. هنگامی که مهم‌ترین نقش و کنشگری اجتماعی زنان، که همان فرزندآوری بود تحقیر شد، به تناسب آن، زنان و هویت زنانه دچار آسیب شد. این هویت، برای اینکه بتواند عزت و کرامتش را حفظ کند به سمت هویت مردانه سوق پیدا کرد. زنان برای حفظ احساس کرامت خود مجبور شدند رفتار مردانه را اتخاذ کنند و به دنبال شغل باشند که ارزشمندترین جنبه هویت مردانه در جامعه است. به دنبال آن روحیات، علایق، نوع پوشش و حتی رفتار و تعاملات اجتماعی زنان به سمت شخصیت مردانه حرکت کرد. در دوره کنونی بعضی از این رفتارها به شکل شدیدتری جامعه سنتی مشاهده می‌شود.

نقش اجتماعی زنان خانه‌دار در جامعه سنتی

در این پژوهش، به تأثیر اجتماعی مادران و زنان خانه‌دار، قبل از سال‌های دهه ۷۰ خواهیم پرداخت. آیا مادران و زنان خانه‌دار در آن دوران، تأثیرگذاری اجتماعی داشتند یا خیر؟ در خانواده‌های سنتی، مادرها مجموعه‌ای از مدیریت‌ها را انجام می‌دادند: فرزندداری، همسرمداری، همسایه‌داری، فامیل‌داری، مهمانداری، ... چند مورد از مدیریت زنان خانه‌دار در جامعه سنتی و تأثیرگذاری اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۳.۱. فرزندداری

۳.۱.۱. تقسیم کار بین فرزندان

یکی از کارهایی که مادران، ذیل مسئولیت فرزندداری انجام می‌دادند تقسیم کار بین فرزندان بود. کارهایی مثل ظرف شستن، جارو کردن، لباس شستن، غذا پختن، مواظبت از خواهر و برادر کوچکتر، نان خریدن و یا خرید مایحتاج، نفت آوردن، بردن و آوردن خواهر یا برادر کوچکتر به مدرسه. فرزندان در این تقسیم کار، مسئولیت‌پذیری و نظم که از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی هستند را آموزش می‌دیدند. توجه به ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی که جامعه کنونی ما را آزار می‌دهند و از طرفی وابستگی آن‌ها به موضوع مسئولیت‌پذیری در خانواده و یا توانایی در مهارت خانه‌داری که با تقسیم کار بین فرزندان توسط مادران آموزش داده می‌شد، نشان می‌دهد که نبودن این مهارت‌ها می‌تواند باعث ایجاد تنش بین همسران و در نهایت منجر به اختلافات زناشویی و جدایی شود.

۳.۱.۲. تقسیم امکانات محدود و دعوت به استفاده مشترک



یکی از ویژگی‌های خانواده‌های سنتی، محدودیت امکانات بود. اعضای این خانواده‌ها، باید به صورت مشترک از امکانات استفاده می‌کردند به گونه‌ای که فرزندان مجبور بودند اسباب بازی‌ها، لوازم التحریر و دیگر وسایل خود را به اشتراک بگذارند. هر اتاق مختص یک فرزند نبود و اتاق‌ها به صورت مشترک برای چند فرزند استفاده می‌شد. در برخی موارد، فرزندی که سنش به هم نزدیک بود لباس‌ها را مشترکاً استفاده می‌کردند. از کارهایی که مادران در این خانواده‌ها انجام می‌دادند مدیریت و القای محبت و مهربانی میان فرزندان و جلوگیری از تنش‌های احتمالی ناشی از استفاده مشترک از امکانات بود. در این خانواده‌ها فرزندان، ایثار کردن به همدیگر، گذشت کردن، مشارکت، همکاری و محبت ورزیدن را یاد می‌گرفتند. خانواده‌ای که چند فرزند داشت و تحت مدیریت مادر، این‌گونه با هم تعامل می‌کردند این ویژگی‌ها در وجود آن‌ها نهادینه می‌شد؛ اما در مقابل آن، در خانواده‌ی تک فرزندی، فقدان چنین تعاملاتی با خواهر و برادر ممکن است مانع رشد این ویژگی‌ها شود و منجر به افزایش انحصارطلبی، خودخواهی و تکبر در روحیه او شود.

۳.۱.۳. قانون داشتن منزل

از دیگر کارهایی که مادران در مدیریت منزل و فرزندان انجام می‌دادند قانون داشتن منزل بود. ساعت خواب و بیداری و ساعت صرف غذا در خانه رعایت می‌شد. قوانین خانه بر اساس خواسته‌ها و مصلحت و علایق شخصی یک فرد تنظیم نشده بود، بلکه بر اساس مصلحت و توانایی‌ها و بضاعت همه افراد خانواده تنظیم می‌شد. به دنبال آن روحیه‌ای در فرزندان شکل می‌گرفت که خلاف روحیه شکننده بودن و زودرنجیدن بود و این از قیل همان قانون مداری بود که مادر در خانه

اعمال می‌کرد. امروزه، به‌خاطر عدم آموزش قانون‌مداری در خانواده، افراد تلاش می‌کنند تا از خلأهای قانونی در جامعه سوءاستفاده کنند و مصالح شخصی خود را بالاتر از مصالح عمومی قرار دهند. چنین معضلات اخلاقی و فرهنگی عمیقاً در بافت اجتماعی ما وجود دارد.

۳.۱.۴. رفع منازعه بین فرزندان

یکی دیگر از کارهایی که مادران در این خانواده‌ها انجام می‌دادند، رفع منازعه بین فرزندان بود. این مدیریت مادرها در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیادی داشتند انجام می‌شد. در خانواده‌های یک یا دو فرزند که هر کدام در اتاق خودشان هستند منازعه‌ای شکل نمی‌گیرد. اما در خانواده‌هایی که تعداد فرزندانشان زیاد و امکانات محیط محدود بود هرکس امکانات اختصاصی خودش را نداشت بلکه افراد باید در استفاده از امکانات با همدیگر مشارکت می‌کردند. به‌دنبال آن طبیعتاً میان فرزندان منازعه پیش می‌آمد و آن‌ها با شرایط واقعی زندگی روبرو می‌شدند. برای رفع منازعه، مادرها به ایجاد رابطه دوستی بین فرزندان کمک می‌کردند و بزرگترها را به گذشت در مقابل فرزندان کوچکتر دعوت می‌کردند. در حالی‌که آنها را تکریم می‌کردند، به آن‌ها روحیه گذشت نسبت به کوچکتر را آموزش می‌دادند. کوچکترها را به احترام گذاشتن به بزرگترها و تبعیت و اطاعت از آنان دعوت می‌کردند. فرزندان احترام متقابل و احترام به حقوق دیگران را یاد می‌گرفتند. اگر فرزندی زیاده‌خواهی می‌کرد یا درصدد تعدی به حقوق دیگران بود تنبیه می‌شد. چیزی که امروز در جامعه ما کمتر آموزش داده می‌شود.

۳.۱.۵. طراحی فعالیت‌های جمعی خانوادگی (مادر، محور فعالیت‌های جمعی)





از کارهای دیگری که مادرها انجام می‌دادند، طراحی فعالیت‌های جمعی خانوادگی بود. مثلاً بازی‌های دسته‌جمعی که با فرزندانشان انجام می‌دادند یا نظارت بر بازی‌هایی که فرزندان با هم انجام می‌دادند، اعضای خانواده با هم خانه‌تکانی و نظافت می‌کردند، با هم مهمانی می‌رفتند یا مهمان می‌آمد و با هم پذیرایی می‌کردند، با هم زیارت و مسافرت می‌رفتند. فعالیت‌های جمعی و گروهی آثاری داشت که یکی از این آثار خاطره‌سازی بود، فرزندان در کنار همدیگر خاطره پیدا می‌کردند و اوقات خوشی را با همدیگر سپری می‌کردند و این باعث تحکیم روابط خانوادگی و تعمیق روابط خواهر و برادری می‌شد. همچنین زندگی جمعی و کار گروهی و مشارکت و همکاری را یاد می‌گرفتند.

۳.۱۶. مادر تجلی رحمت الهی، مادر معلم بندگی

انسان‌ها حقایق انتزاعی، غیرمادی و بعید را به واسطه حقایق ملموس و محسوس و قریب می‌فهمند. زبان‌شناسان شناختی معتقدند حوزه‌ای مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگری که برای ذهن مخاطب آشناتر و عینی‌تر است، فهم می‌گردد (لیکافا و جانسون ۲، ۱۹۸۰، ص ۵). فهم و ادراک انسان ماهیت استعاری دارد. منظور این است که مفاهیم انتزاعی و دور از ذهن در قالب مفاهیم ملموس فهمیده می‌شوند. یک کودک، مفهومی انتزاعی مثل عدالت را با مساوی تقسیم کردن دو چیز متوجه می‌شود. مثلاً اگر یک میوه را مساوی بین او و برادرش تقسیم کنیم و بگوییم عدالت این است، کودک این‌گونه مفهوم عدالت را می‌فهمد. همچنین مفهوم ظلم را با به زور گرفتن چیزی از خود متوجه

1 . Lakoff

2 . Johnson

می‌شود. قرآن هم از این ویژگی استفاده کرده و برای انتقال مفهوم وحی از استعاره مفهومی مدد گرفته است تا مفاهیم انتزاعی و غیرمحسوس را بر پایه يك یا چند واسطه ملموس‌تر قابل درک گرداند (قائمی نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۱). خداوند وقتی در مورد بهشت و جهنم و دیگر مفاهیمی که خارج از حوزه ادراک ما هستند سخن می‌گوید، آن‌ها را در قالب مفاهیم محسوس برای ما بیان فرموده و از مفاهیمی که در معرض آن‌ها هستیم و نعماتی که در دنیا تجربه کردیم مثل رودخانه و باغ و قصر و کاخ و نوشیدنی استفاده می‌کند. بدون شک آن‌چه از نعمات بهشتی در قرآن گفته شده، نمونه‌هایی دنیایی دارند، مانند خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، نهرها، قصرها، حور...؛ و آن‌چه در بهشت هست و در دنیا مشابهی ندارد، در قرآن بیان نشده است، چون قابل درک و فهم و تصور نمی‌باشد؛ لذا خداوند علاوه بر بیان برخی از نعمات بهشتی که قابل درک و تصور است، فرمود: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (السجده، ۱۷) ترجمه: هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند!

رحمت الهی نیز یک مفهوم انتزاعی و مبنای بندگی خداوند است. کسی که رحمت الهی را چشیده باشد می‌تواند خداوند را از سر حب و عبودیت و خضوع و خشوع بندگی کند. انسان‌ها رحمت خدای متعال را از طریق رحمت و محبتی که در دوران کودکی از مادر کسب کرده‌اند می‌فهمند یعنی عالی‌ترین رحمتی که می‌توانند تصور کنند. هر چقدر که فرزند در تعامل با مادرش، رحمت و مهربانی را بیشتر درک کرده باشد در فهم رحمت خدای متعال هم تواناتر است. کسی که دلسوزی، گذشت، صبوری، ایثار و شب بی‌خوابی‌های مادر را درک کرده باشد بهتر رحمت



الهی را درک می‌کند و برای بندگی خدا آماده‌تر است. در حقیقت مادران معلم توحید و عبودیت فرزندان هستند.

مادران با ایجاد رابطه محبت‌آمیز با فرزندان، نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش دینداری در جامعه داشتند. در مقابل مادری که کودک خود را سربار خود می‌بیند و وقت گذراندن با وی را وقت تلف کردن می‌انگارد و همیشه کار را بر او ترجیح می‌دهد فرزند او رحمت الهی را سخت‌تر درک می‌کند و زمینه کمتری برای بندگی پیدا می‌کند. عدم درک و همدلی نسبت به مادر ممکن است منجر به شورش علیه والدین و حتی زیر سؤال بردن وجود خود شود. بنابراین نقش مادر در کنار اداره امور خانه، در ایجاد جامعه توحیدی و مؤمنانه اساسی است. ایفای نقش مادری عامل ارتقای دینداری در جامعه است.

نقش مادر در تربیت فرزندان فراتر از مراقبت ساده است. با توجه به مواردی که بیان شد این نقش به صورت غیر مستقیم تاثیرگذاری‌های عمیق اجتماعی دارد و در لایه‌های زیرین اجتماع تأثیر می‌گذارد و از معضلات اخلاقی اجتماعی جلوگیری می‌کند. تأثیرگذاری اجتماعی زنان فقط به حضور فیزیکی آنان در اجتماع منتهی نمی‌شود بلکه ایشان با تولید و پرورش فرزندانی شایسته می‌توانند نقشی مهم در جامعه ایفا کنند. (فاتحی، ۱۳۹۸، ص ۳۶)

۳.۲. همسایه داری

از جمله مسئولیت‌های چند جانبه‌ای که مادران بر عهده داشتند، همسایه‌داری بود. این عمل ریشه در عملکرد مثال‌زدنی حضرت زهرا ۳ دارد. جمله‌ای برگزیده از متن حدیث معروفی از ایشان است که فرمودند: الجار ثم الدار. جامعه اسلامی به خصوص جامعه شیعی و مادران و

خانواده‌های سنتی به ارتباط با همسایه‌ها اهتمام ویژه‌ای داشتند و محور این ارتباط‌ها مادران بودند. مادری که در بیرون از منزل شاغل است وقتی به منزل باز می‌گردد به مقداری استراحت نیاز دارد تا به امور منزل و فرزندان رسیدگی کند. طبیعتاً مادران شاغل، فرصتی برای ارتباط با همسایه‌ها ندارند. مادر خانه‌دار از فواید ارتباط با همسایگان خود بهره می‌برد. اکنون به بررسی چند مورد از این فواید می‌پردازیم.

۳.۲.۱. یاری‌گری‌های اجتماعی

یکی از آثار روابط همسایگی یاری‌گری‌های اجتماعی بود. یعنی افراد و خانواده‌ها در معضلات و مشکلات متعدد مثل مریضی‌ها و مشکلات اقتصادی کمک کار همدیگر بودند. اگر اختلاف خانوادگی پیش می‌آمد همسایه‌ها ریش‌سفیدی می‌کردند، اگر مشکل اقتصادی بود یا اگر جوانی قصد ازدواج داشت همسایه‌ها از نظر مالی یا برای آماده کردن جهیزیه کمک می‌کردند. یا اگر کسی وسیله‌ای در خانه‌اش نیاز داشت از همسایه‌ها امانت می‌گرفت. مردم به یاری هم می‌شتافتند و از کنار همدیگر بودن و از ارتباط جمعی لذت می‌بردند. مشکلات و سختی‌ها وجود داشتند ولی به واسطه یاری‌گری‌های اجتماعی فشارهای اجتماعی کاهش می‌یافت.

یکی از ثمرات یاری‌گری‌های اجتماعی، عدم احساس غربت و تنهایی بود که یکی از معضلات امروز جامعه ما محسوب می‌شود. در خانواده‌ها و جامعه سنتی، مشکلات افسردگی، فشارها و مشکلات اعصاب و روان کمتر دیده می‌شد. امروزه با وجود اینکه حضور اجتماعی زنان در جامعه بیشتر است، افسردگی و مشکلات اعصاب و روان نیز در زنان بیشتر دیده می‌شود. در آن جوامع روابط همسایگی و یاری‌گری‌های





اجتماعی، سبب کاهش فشارهای اجتماعی و افزایش احساس رضایت از زندگی می‌شد. با وجود این‌که مردم زندگی ساده‌تر و مشکلات اقتصادی بیشتری داشتند، رضایت و شادی بیشتری داشتند. لذا نقش خانه‌داری در بالا رفتن سلامت روانی جامعه مؤثر بود.

۳.۲.۲. روابط همسایگی زمینه ساز همبستگی اجتماعی

از نتایج دیگری که روابط همسایگی رقم می‌زد همبستگی اجتماعی بود. از نظر امیل دورکیم (جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی سده نوزدهم و بیستم) همبستگی اجتماعی در جوامع کوچک زمانی اتفاق می‌افتد که افراد به واسطه شناختی که از هم دارند، بر رفتار یکدیگر کنترل اجتماعی دارند. در این جوامع افراد موظفند در چارچوب هنجارهای رایج آن جامعه رفتار کنند. دورکیم معتقد است به واسطه وجود ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، وجدان جمعی شکل می‌گیرد که افراد بر اساس آن در جامعه رفتار می‌کنند و به سبب آن حیات جمعی جامعه تداوم می‌یابد. (ریترز، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴) در روابط همسایگی خانم‌ها با یکدیگر صحبت می‌کردند. در مجالس زنانه و یا به صورت گروهی فعالیت می‌کردند، مثل سبزی پاک کردن یا جهیزیه آماده کردن. مادران در این مجالس و محافل گفت‌وگو می‌کردند و روایت‌هایی از مفاهیم متعدد به همراه ایجاد شناخت، چشم‌اندازسازی و اقناع‌سازی شکل می‌گرفت. این روایات به ایجاد فهم مشترک نسبت به مفاهیم اجتماعی، اخلاقی و ارزشی منجر می‌شد که زیر بنای همبستگی اجتماعی بود. زمانی جامعه می‌تواند همبستگی اجتماعی داشته باشد که افراد از مفاهیم ارزشی، تلقی واحدی داشته باشند.

امروزه در جامعه روایات متعددی از مفاهیم آزادی، حیا، عفت، کرامت، بندگی، نجابت، ... دیده می‌شود. زمانی که در جامعه افراد از مفاهیم تعریف‌های متعدد داشته باشند رسیدن به اتحاد و همبستگی بسیار دشوارتر خواهد بود. یکی از شروط اساسی رسیدن به اتحاد در جامعه برای مقابله با تهدیدات و نفوذ، فهم مشترک نسبت به مفاهیم است. در جوامع سنتی که رسانه‌های جمعی وجود نداشت فهم مشترک در افراد جامعه به واسطه ارتباطاتی بود که افراد در خانواده و فامیل و در محله‌ها با یکدیگر داشتند. محور این ارتباطات، مادران بودند. در نتیجه تعاملاتی که مادران با همدیگر داشتند، فهم مشترکی نسبت به مفاهیم شکل می‌گرفت و در خانواده و فرزندان و همسر خانواده منعکس می‌شد. امروزه این گفتگوها وجود ندارد و با وجود این‌که افراد در فضای مجازی باهم ارتباط دارند ولی به تفاهم و فهم مشترک نمی‌رسند. روابط همسایگی بر محور ارتباطات مادران، زمینه‌ساز وحدت و همبستگی اجتماعی و در نهایت سبب تداوم حیات جامعه می‌شد.

۳.۲.۳. روابط همسایگی ایجاد فضای محله

به واسطه روابط همسایگی که توسط مادران، میان خانواده‌ها شکل می‌گرفت محله‌ها به وجود می‌آمد. در محله، خانواده‌ها با یکدیگر مرتبط بودند و این ارتباطات بر محور مادر خانواده بود. محله‌ها هویت داشتند، یعنی افراد متعلق به محله‌ها بودند و با محله‌ها شناخته می‌شدند.

محله فضای اجتماعی کوچکی بود که بچه‌ها به واسطه بازی کردن و تردد در کوچه پس کوچه‌ها دوست و رفیق داشتند. آشنایی با افراد و خاطره داشتن در محله باعث ایجاد علقه نسبت به محله و ایجاد نوعی تعصب نسبت به شهر و کشور می‌شد. روابط همسایگی باعث ایجاد





میهن‌پرستی و هویت ملی در افراد می‌شد. دلیل این‌که نوجوانی که به نشانهٔ اعتراض، خساراتی به امکانات محله وارد می‌کند این است که او اصلاً در محله و در آن شهر زندگی نکرده بلکه در اتاقش، نه تنها در اتاقش، در فضای مجازی زندگی کرده و گوشی و فالتورهایش از امکانات محله برایش مهم‌ترند. ولی نوجوانی که در محله زندگی می‌کند و خاطراتی با افراد محله دارد نسبت به آن تعصب دارد و احساس وابستگی می‌کند و تعلق به میهن و میهن‌پرستی در وجود او شکل می‌گیرد. محله‌ها هم خودشان هویت داشتند و هم هویت‌ساز بودند و این به واسطهٔ روابطی بود که مادران با یکدیگر داشتند.

محله‌ها جامعه‌های کوچکی بودند که فرآیند اجتماعی شدن فرزندان در آنجا رقم می‌خورد. کودکان در محله یاد می‌گرفتند که قواعد، اصول، الگوها و هنجارهای جامعه چیست؟ شخصیت کودکان در تعامل با جامعهٔ کوچک شکل می‌گرفت و نتیجه این بود که وقتی جوانی به ۲۰ سالگی می‌رسید بلوغ فکری و شخصیتی در او حاصل شده بود و آمادگی ازدواج داشتند. شکل‌گیری محیط محله و فرآیند اجتماعی شدن که در محله اتفاق می‌افتاد به تسریع بلوغ شخصیتی نوجوانان کمک می‌کرد تا برای پذیرش مسئولیت خانوادگی مهیا باشند.

اگر روابط همسایگی عمیق‌تر و صمیمانه‌تر باشد، فضای زندگی و اجتماعی امن‌تر و بزهکاری و سرقت کمتر می‌شود. مادران محور روابط همسایگی هستند و این روابط، به ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌کند. همچنین به واسطهٔ روابط و شناخت، وصلت‌هایی در روابط همسایگی و محله‌ای شکل گرفت که به دلیل شناخت‌های عمیقی که وجود داشت از پایداری بیشتری برخوردار بود. خانه‌داری عامل شکل‌گیری خانواده‌های مستحکم‌تر بود.

موارد فوق چند مورد از آثار و ثمرات اجتماعی نقش همسایه‌داری بود که مادران خانه‌دار در جوامع سنتی ایفا می‌کردند.

۳.۳. فامیل داری

از دیگر نقش‌هایی که مادرها در آن جوامع ایفا می‌کردند فامیل‌داری بود. زن خانه‌دار فرصت بیشتری برای ارتباطات فامیلی دارد و مادران محور این ارتباطات هستند. حمایت از ارتباطات فامیلی آثاری داشت:

۳.۳.۱. حمایت‌های خویشاوندی

یکی از آثار ارتباطات فامیلی، حمایت‌های خویشاوندی - یاری‌گری‌های اجتماعی در قالب روابط خویشاوندی - بود. در روابط خویشاوندی یاری‌گری در حوزه‌های مختلف وجود داشت؛ در امور اقتصادی، اختلافات خانوادگی، بیماری، کمک در امر تربیت و کمک به شکل‌گیری خانواده‌های نوپا (گلریزان می‌گرفتند). اگر فرزند کسی قصد ازدواج داشت خویشاوندان کمک می‌کردند که نیازهای مالی وی را برطرف کنند. از آثار و نتایج ارتباطات فامیلی، کاهش فشارهای اجتماعی و روانی بود که به بالا رفتن ثبات و استحکام خانواده‌ها کمک می‌کرد و نتیجه مهم‌تر آن، بالا رفتن احساس رضایت‌مندی از زندگی بود.

۳.۳.۲. ایجاد فضای مناسب برای بازی بچه‌ها و تربیت ایشان

روابط خویشاوندی محیط بسیار خوبی برای رشد و تعامل فرزندان با همدیگر ایجاد می‌کرد. فرزندان در روابط خویشاوندی فرمانبری از غیر پدر و مادر را تجربه می‌کردند. همچنین آنان مدیریت رفتار یاد می‌گرفتند. می‌آموختند که در تعامل با دیگرانی که از ایشان قوی‌تر هستند چگونه رفتار کنند که حقشان ضایع نشود و در مقابل افراد ضعیف‌تر از خودشان



چه رفتاری نشان دهند که بازی خراب نشود و تنها نمانند و منجر به زورگویی و ضایع شدن حق کسی نشود.

۳.۳.۳. روابط خویشاوندی، عامل پایبندی به ارزش‌های خانوادگی

روابط با خویشاوندان کمک می‌کند فرزندان به ارزش‌های خانوادگی (که میان خانواده و خویشاوندان مشترک بود) تعلق خاطر پیدا کرده و پایبند باشند.

۳.۴. همسراری، شوهرداری

یکی دیگر از انواع مدیریت‌های مهمی که زن خانه‌دار انجام می‌دهد همسراری است. نقش همسراری زنان خانه‌دار در مقایسه با نقش همسراری زنان شاغل چگونه است؟

۳.۴.۱. جذابیت‌های روحی و عاطفی زنان عامل پاکدامنی مردان

به جهت اینکه تنها تعاملات زن خانه‌دار حول محور شوهرش می‌چرخد، او نیازی به پنهان کردن احساسات و عواطف خود نمی‌بیند و محدودیتی ندارد. در مقابل خانمی که شاغل است و باید ساعتی در بیرون از منزل، در کنار مردان کار کند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازد، مجبور است دائماً این عواطف و احساسات را در ظاهر اجتماعی خود تنظیم و سرکوب کند و نمی‌تواند مکمل شخصیتی برای مرد باشد. کنترل مداوم درونی‌ترین احساسات زن در محیط‌های اجتماعی، به‌طور ناخودآگاه بر شخصیت او تأثیر می‌گذارد. زن خانه‌دار محدودیتی برای عشق ورزی و محبت ورزی ندارد. آغوش گرم وی برای همسرش، بار اجتماعی را که بر دوش مرد گذاشته می‌شود، کاهش می‌دهد. با کاهش این فشارها، مرد می‌تواند آستانهٔ بال‌تری برای تحمل در تعاملات

اجتماعی خود ایجاد کند و منجر به کاهش تنش‌های اجتماعی شود، در نتیجه مرد می‌تواند با آرامش بیشتری فشارها را مدیریت کند.

۳.۴.۲. کمک به رشد و تعالی مرد

از دیگر آثار همسراری زنان، کمک به رشد و تعالی مرد است. روحیه مردانه که صلابت و اقتدار در آن است، در کنار روحیه‌ی نرم خو و لطافت‌ها و ظرافت‌های زنانه به توازن و تعادل می‌رسد و می‌تواند تعالی پیدا کند. اگر خانم خانه هم روحیه‌ی مردانه داشته باشد طبیعتاً تنش‌ها و فشارهای روانی در وجود مرد نمی‌تواند کاهش پیدا کند. مرد تنش‌ها و فشارهای روانی در جامعه تجربه می‌کند و هر روز با آن‌ها مواجه است، پس از بازگشت به خانه خود در پایان هر روز نیز با شخصیت مشابهی روبرو می‌شود که مردانگی شبیه به خودش دارد. همچنین در صورتی که زن شاغل، خسته به خانه برگشته باشد و توان و قدرت توجه به مرد را نداشته باشد، مرد نمی‌تواند به‌درستی در مقابل تنش‌های اجتماعی واکنش نشان دهد.

مواردی که به عنوان نقش خانه‌داری زنان ذکر شد، به معنای نفی فعالیت‌های اجتماعی آنان نمی‌باشد. قطعاً بانوان باتوجه به شرایط و توانایی‌هایی که دارند می‌توانند علاوه بر نقش خانه‌داری در نقش‌های مختلف اجتماعی هم حضور پیدا کنند و موفق باشند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که خانه‌داری وقت تلف کردن نیست و دارای تأثیرات عمیق اجتماعی است. زنان خانه‌دار لازم نیست که کارهای دیگری را ضمیمه‌ی خانه‌داری کنند تا ارجمند شوند و یا اینکه احساس کنند که مسئولیت اجتماعی‌شان را انجام داده‌اند. خانه‌داری همراه با مسئولیت‌ها و نقش‌هایی که زنان می‌توانند ذیل آن ایفا کنند تاثیرگذاری بسیاری در





عمیق‌ترین لایه‌های اجتماع دارد و به تربیت نیروی کار و نیروی انسانی جامعه می‌پردازد.

لازم است چند مورد از فرمایشات امام و رهبری، نسبت به نقش خانه داری زن‌ها، را مورد بررسی قرار دهیم.

امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرمایند: «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ بلکه بانوان در همه‌ی ابعاد خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است و این امری است که انبیا می‌خواستند.» (امام خمینی، جلد ۱۴، ص ۱۹۷)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «من می‌گویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر میتواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم. (بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - ۱۳/۰۴/۱۳۸۶)

نقش خانه داری زن، یک نقش بی‌بدیل است به این معنا که کس دیگری نمیتواند این نقش را بر عهده بگیرد. چندین مرد نمیتوانند نقش

یک زن خانه‌دار را ایفا کنند اما نقش‌های دیگر زن‌ها در جامعه را مردان می‌توانند ایفا کنند، مثل شغل مهندسی، کارمندی یا حتی پزشکی.

ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند: «زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱)

هم‌چنین ایشان در رابطه با این‌که خانه‌داری وقت تلف کردن نیست می‌فرمایند: «زن توی خانه بیکار نیست یک عده خیال می‌کنند زن در خانه بیکار است خیر زن توی خانه بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد.» ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند: «در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند.» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

در سال ۱۳۷۰ ایشان در دیداری که با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان _ که در این جمع، پزشکان زن متخصص حضور _ داشتند فرمودند: «مسئله‌ی مادری، مسئله‌ی همسری، مسئله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص



است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم.» ایشان می‌فرمایند زن خانه‌دار را به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه می‌کنند، طرف مقابل ملکه‌ی زنبور عسل مرد خانه است که طبق مثال ایشان مرد خانه مانند زنبور کارگر است. مرد خانه کار و فعالیت اقتصادی می‌کند تا زمینه‌ای ایجاد کند تا زن خانه بتواند نقش‌ها و مسئولیت‌های عمیق خود را به خوبی ایفا کند.

ایشان در ادامه همین صحبتشان می‌فرمایند: «کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه - که آن، خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود. شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحیتان را هم می‌کنید، مریضتان را هم می‌بینید، فلان کار علمی را هم می‌کنید، فلان طرح را هم می‌نویسید، فلان درس را هم در دانشگاه می‌دهید - همه‌ی اینها به جای خود محفوظ - اما بایستی سهم «خانه» را هم در نظر داشته باشید.» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴)



خانه‌داری وقت تلف کردن نیست. خانه‌داری مجموعه‌ای از مدیریت‌هاست: همسر‌داری، فرزند‌داری، همسایه‌داری، فامیل‌داری، مهمان‌داری، مردم‌داری.

نقش خانه‌داری، ظرفیت تأثیرگذاری عمیق در لایه‌های زیرین جامعه را دارد. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که زنان به واسطه خانه‌داری و توجه به ابعاد گسترده آن می‌توانند مسئولیت‌های اجتماعی خود را ایفا کنند.

بحث اولویت بخشی به خانه‌داری است نه محدود کردن زنان به خانه‌داری، افراد با توانایی بیشتر مجازند به حوزه‌های دیگری اعم از تحصیلی، شغلی، ورزشی و ... ورود کنند. در بسیاری از موارد، حضور فیزیکی زنان در اجتماع با حفظ حریم و حرمت ایشان لازم و ضروری است. آنچه گذشت نافی نقش‌هایی که زنان با توانایی‌ها و استعداد‌های بیشتر می‌توانند بر عهده بگیرند و تأثیرگذاری داشته باشند نیست. نقش خانه‌داری، نقش مهم و بی‌بدیلی است و بر خلاف آنچه که گاهی تصور می‌شود اتلاف وقت است و زنان باید در نقش‌های مهم‌تر و بالاتری تأثیرگذاری کنند، نیست. تأثیرگذاری اجتماعی هیچ نقشی در جامعه نمی‌تواند قابل مقایسه با تأثیرگذاری یک مادر خانه‌دار باشد.

در نشان دادن الگو و نماد زن مسلمان موفق، نباید متمرکز در زنان شاخص با توانایی‌های خاص و فوق‌العاده و افتخارات بین‌المللی (ورزشی، علمی، شغلی) شد و ایشان را محور قرار داد. ایشان قابل تکریمند ولی همه نمی‌توانند شاگرد اول باشند.





منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه، دوم.
۳. بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۳)، مجموعه پنج جلدی نقش و رسالت زن، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۳۰.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>
۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۳۶>
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا - سلام‌الله‌علیها - ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390>
۷. حق شناس، سید جعفر، «زن در اجتماع»، پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم ۷
 ۲۰۳۸۸، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
۸. ریتزر، جورج، (۱۴۰۰)، نظریات جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، نشر نی، چاپ هشتم.
۹. فاتحی، حمیدرضا. (۱۳۹۸)، «جامعه شناسی تقسیم کار خانگی در

سیره معصومین:»، پژوهش اجتماعی، شماره ۴۵، زمستان (صفحات ۴۸_۱۹)

۱۰. قائمی نیا، علیرضا؛ نصرتی، شعبان؛ فریدی خورشیدی، منا، (۱۳۹۹)، «استعاره مفهومی وحی رسالی در قرآن کریم»، ذهن، شماره ۸۱، بهار (صفحات ۳۴_۵)

۱۱. کشوری، امین. (۱۳۹۴)، «حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه»، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.

۱۲. کوچش، زولتان؛ (۱۳۹۵)، زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه ای مفید و کاربردی؛ ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی؛ تهران: آگاه.

۱۳. لولآور، منصوره؛ شاهمرادی زواره، راضیه، (۱۳۹۳)، «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت الله خامنه‌ای» فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان / شماره چهارم / سال اول / بهار و تابستان، ص ۲۸-۹

۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، و روحانی علی آبادی، محمد، (۱۳۷۷)، زندگانی حضرت زهرا ۳: ترجمه و تحقیق از جلد ۴۳ بحار الانوار (ترجمه روحانی). ۱ ج. تهران: مهام.

۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق) بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ دوم.

۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام. (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۱۴.

17. Hochschild, A. R., & Machung, A. (۲۰۱۲). The Second Shift: Working Families and the Revolution at Home. Penguin Books.

18. Lakoff, George. Johnson, Mark; (1980) Metaphors we live by; Chicago: the University of Chicago Press.

